



The International Community's Failed Efforts to Establish a Global Organization for Fossil Fuels

Behrad Saghiri¹ Bahram Pashmi² Hojjat Salimi Turkamani³

1. PhD candidate of international commercial & investment law, Faculty of law Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: saghiribehrad@gmail.com

2. PhD in Public International Law, Department of law, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran. Email: bahram.pashmi@gmail.com

3. Corresponding Author; Associate Professor in International Law at Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran. Email: Salimi@azaruniv.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Manuscript received:
22 November 2021

final revision received:
28 August 2022

accepted:
9 January 2023

published online:
15 March 2023

Keywords:

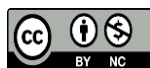
Fossil energy, International organizations, Energy consumers and producers, The environment

Abstract

To date, two different approaches have been developed in the fossil fuel trade. An approach based on economic considerations that has led to the mutual alignment of fossil energy producers and consumers that seeks to control energy markets and energy trade by establishing international organizations such as OPEC and the International Energy Organization. And the second approach, based on environmental considerations, according to which all governments have stated their goal of reducing the environmental impact of fossil fuel use. Although numerous attempts have been made by both approaches to the normative development of fossil fuels, they have not led to a favorable organizational development to establish a global mechanism with general thematic and geographical competence in this field. The main question is what are the main reasons and obstacles to organizational development and the creation of a global organization in the field of fossil fuels? Also, which approach, economic or environmental, is smoother than the establishment of the WTO? Based on a descriptive-analytical study, in some cases there were formal barriers such as the monopoly structure of existing organizations and resistance to the entry of new members, and in other cases, substantial barriers related to lack of community to cover all issues related to fossil fuels. While paying attention to the fact that in order to overcome the problem of climate change, the principle of common but different responsibility of countries should be taken into consideration.

Cite this article: Saghiri, Behrad; Bahram Pashmi; Hojjat Salimi Turkamani. (2023, Autumn& Winter) "The International Community's Failed Efforts to Establish a Global Organization for Fossil Fuels", *Energy Law Studies*, 8 (2): 379 - 400.

DOI: <https://doi.com/10.22059/JRELS.2023.333669.469>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.com/10.22059/JRELS.2023.333669.469>



کوشش‌های نافرجام جامعه بین‌المللی در تأسیس سازمان جهانی برای انرژی‌های فسیلی

بهراد صغیری^۱ بهرام پشمی^۲ حجت سلیمی ترکمانی^۳✉

۱. دانشجوی دکتری، حقوق تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: saghiribehrad@gmail.com

۲. دکتری، حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، زنجان، ایران. رایانامه: bahram.pashmi@gmail.com

۳. نویسنده مسئول: دانشیار، گروه حقوق، دانشکده الهیات، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران. رایانامه: Salimi@azaruniv.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۰/۹/۱

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۱/۶/۶

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۱/۱۰/۱۹

تاریخ چاپ:

۱۴۰۱/۱۲/۲۴

کلیدواژه‌ها:

انرژی‌های فسیلی، سازمان‌های بین‌المللی، مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان انرژی، محیط‌زیست

تا به امروز دو رویکرد متفاوت در تجارت انرژی‌های فسیلی شکل گرفته است. رویکرد مبتنی بر ملاحظات اقتصادی که موجب صف‌آرایی متقابل تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان انرژی‌های فسیلی گردیده و با ایجاد سازمان‌های بین‌المللی مانند اوپک و سازمان بین‌المللی انرژی، به دنبال کنترل بازارهای انرژی و تجارت انرژی هستند و رویکرد دوم مبتنی بر ملاحظات محیط‌زیستی که به موجب آن کلیه دولت‌ها، هدف خود را کاهش تأثیرات زیست‌محیطی ناشی از استفاده از انرژی‌های فسیلی معرفی کرده‌اند. هرچند تلاش‌های متعددی درباره توسعه هنجاری در زمینه انرژی‌های فسیلی توسط هردو رویکرد انجام شده است، اما به توسعه سازمانی مطلوبی نینجامیده است تا سازوکار جهانی با صلاحیت موضوعی و جغرافیایی عام در این زمینه ایجاد کند. پرسش اساسی این است که دلایل و موانع اصلی پیش روی توسعه سازمانی و ایجاد سازمان جهانی در زمینه انرژی‌های فسیلی کدام‌اند؟ و مسیر تأسیس سازمان جهانی مذکور از مسیر کدام رویکرد - اقتصادی یا زیست‌محیطی - هموارتر است؟ براساس مطالعه توصیفی-تحلیلی انجام‌شده، شکاف عمیق در منافع اقتصادی دولت‌های ذی‌نفع در تجارت انرژی‌های فسیلی، اتخاذ رویکرد محیط‌زیست‌محور می‌تواند برای ایجاد سازوکار جهانی کارآمدتر در حوزه انرژی‌های فسیلی جلوه کند. ضمن توجه به این موضوع که برای چیره شدن بر معضل تغییرات آب‌وهوایی، اصل مسئولیت مشترک، اما متفاوت کشورها مورد توجه قرار گیرد.

استناد: صغیری، بهراد؛ بهرام پشمی؛ حجت سلیمی ترکمانی. (پاییز و زمستان ۱۴۰۱) «کوشش‌های نافرجام جامعه بین‌المللی در تأسیس سازمان جهانی برای انرژی‌های فسیلی»، *مطالعات حقوق انرژی*، ۳۷۹: ۴۰۰ - ۳۷۹: (۲۸). DOI: <https://doi.com/10.22059/JRELS.2023.333669.469>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



© نویسندگان.

DOI: <https://doi.com/10.22059/JRELS.2023.333669.469>

مقدمه

مطالعه سازوکارهای موجود در زمینه انرژی‌های فسیلی حاکی از آن است که تاکنون هیچ‌یک از آنها نتوانسته است نسخه‌ای جهانی برای این مشکل باشد. از سویی، تولیدکنندگان در سازمان‌هایی مانند اوپک، مجمع کشورهای صادرکننده گاز و آپک مدعی هستند که راه‌حل آن‌ها که بیشتر مبتنی بر افزایش و تثبیت قیمت انرژی‌های فسیلی بوده است، موجب تأمین هم‌زمان منافع آن‌ها با منافع مصرف‌کنندگان گردیده است. در آن سو، مصرف‌کنندگان با ایجاد سازمانی در برابر تولیدکنندگان، با عنوان آژانس بین‌المللی انرژی، سعی دارند با تعریف سازوکاری که به کاهش قیمت و مصرف انرژی‌های فسیلی بینجامد، منافع خود را حفظ کنند. هم‌چنین کشمکش‌های این دو گروه موجب گردیده است که آن‌ها به این فکر بیفتند که بازی غیرهمکارانه آن‌ها در صفوف مختلف نمی‌تواند راه‌حلی قطعی برای نیازهای جهانی به انرژی‌های فسیلی گردد و با تلاش در مجمع بین‌المللی انرژی با مذاکره و گفت‌وگو به راه‌حلی واحد در یک بازی همکارانه با نتیجه برد-برد دست یابند؛ اما این آخرین هم‌دوشی آن‌ها نبوده و در سازمان‌های تخصصی دیگر مانند سازمان تجارت جهانی نیز می‌توانستند نیم‌نگاهی به این هدف مشترک داشته باشند؛ هرچند که چنین سازمانی، نه از نظر تخصصی و نه از نظر شمول بر کلیه ابعاد انرژی، نتواند انتظارات آن‌ها را به‌طور کامل برآورده سازد. معاهده منشور انرژی نیز با تعریف سازوکار سازمانی، قالبی همانند بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی یافته است که با مقررات‌گذاری در زمینه سرمایه‌گذاری، تجارت، ترانزیت انرژی و حل‌وفصل اختلافات به دنبال همین هدف است که با یافتن مقبولیت جهانی نقش تنظیم‌گری برای کل انرژی جهان اعم از انرژی‌های فسیلی بیابد و حتی برای رسیدن به این منظور، برخی دغدغه‌های کشورهای تولیدکننده، مانند مالکیت بر منابع انرژی را در خود جای داده است. در کنار آن، سازمانی مانند سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر با مقبولیت گسترده خود، به‌رغم هدف خاصی که دارد، مدعی نقش تنظیم‌گری در زمینه انرژی‌های فسیلی است. در کنار رویکرد اقتصادمحور به مقوله انرژی‌های فسیلی، رویکرد دیگری از دهه آخر قرن بیستم مبتنی بر ملاحظات زیست‌محیطی شکل گرفته است. محیط‌زیست به‌نوعی دغدغه مشترک «جامعه بین‌المللی در کل» است و تمامی سازمان‌های مذکور در حوزه انرژی به طریقی این دغدغه را در برنامه‌های خود دارند. این آغاز نقطه مشترک می‌تواند راه‌حلی جهانی برای انرژی‌های فسیلی نیز باشد. چنین رویکردی به‌صراحت در کنوانسیون ساختاری سازمان ملل درباره تغییرات آب‌وهوایی و پروتکل الحاقی آن موصوف به پروتکل کیوتو و متعاقب آن موافقت‌نامه پاریس که برای جلوگیری از تغییرات آب‌وهوایی منعقد شده، متجلی است.

اگرچه راهکارهای حقوقی مندرج در معاهدات مربوط به تغییرات آب‌وهوایی، براساس کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای منعقد گردیده‌اند؛ اما راهکار اخلاقی، مبتنی بر کاهش تقاضای انرژی و درنهایت

کاهش مصرف انرژی بوده است. اما با توجه به پایین بودن قدرت الزام‌آوری تعهدات مندرج در اسناد مربوطه، به‌ناچار مسئولیت اخلاقی نیز مقام و موقعیت می‌یابد.

اما پرسش اساسی این است که چرا جامعه بین‌الملل نتوانسته است انرژی‌های فسیلی را در قالب یک سازوکار قابل قبول برای اعضایش تنظیم کند؟ و ثانیاً بر فرض امکان تحقق و تأسیس این سازوکار، کدام رویکرد می‌تواند مسیر همواری برای تحقق این هدف فراهم سازد؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، بایستی تمامی این سازمان‌ها و کارهایی را که انجام یافته است، از نظر گذراند و ایراداتی را که هرکدام می‌توانست مانعی برای تحقق هدف موردنظر باشد، بررسی کرد که درنهایت بتوان در آینده با مرتفع کردن هرکدام از این ایرادات در سازمان‌های موجود یا در زمان تشکیل سازمانی جدید، به آن کارکرد مورد انتظار دست یافت.

برای همین منظور در بخش اول به کارکرد و علل ناکامی دولت‌ها در سازمان‌های انرژی‌محور که به‌صورت انحصاری و در تقابل با صف دیگر بازیگران انرژی تشکیل شده‌اند، پرداخته شده و سازمان‌های شکل گرفته در صف تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان جداگانه مطالعه شده است. در بخش دوم به سازمان‌های انرژی‌محوری که هر دو گروه از بازیگران درکنار هم قرار گرفته‌اند و باز کارکرد و علل ناکامی آن‌ها بررسی شده است و درنهایت در بخش سوم، محیط‌زیست به‌عنوان دغدغه مشترک تمامی سازمان‌ها مورد مطالعه قرار گرفته است و با بررسی تلاش‌های جامعه بین‌الملل برای حل مسئله تغییرات آب‌وهوایی، این نظر تأیید شده است که برای دستیابی به هدف مذکور، ابتناء بر ملاحظات محیط‌زیستی بهترین گزینه است.

۱. ناکامی و تقابل دولت‌ها در سازمان‌های بین‌المللی انرژی‌محور

منافع تولیدکنندگان انرژی‌های فسیلی در به دست گرفتن انحصار بازار و قدرت تعیین قیمت و در رأس آن، حاکمیت مطلق و بر حق بر منابع زیرزمینی خود خلاصه می‌شود و در مقابل، مصرف‌کنندگان افزون بر تمایل به حضور در خاک کشورهای تولیدکننده و سرمایه‌گذاری، منافع خود را در به دست آوردن انرژی ارزان و باثبات دنبال می‌کنند. دو منفعت متعارضی که به‌سختی می‌توان جمع کرد و راهکاری برای تعادل آن یافت. به همین دلیل هرکدام از این کشورها در مقابل هم صف‌آرایی کرده و هریک در تلاش‌اند علاوه بر ارائه نسخه خود به‌عنوان راهکار بهتر، مانع توفیق و توفیق دیگری گردد. در این بخش به صف‌آرایی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و علت ناکامی آن‌ها در به دست گرفتن نقش جهانی برای تنظیم تجارت انرژی‌های فسیلی پرداخته می‌شود.

۱.۱. صف آرای تولیدکنندگان عمده انرژی‌های فسیلی

کاهش مداوم قیمت نفت توسط شرکت‌های نفتی بین‌المللی در دهه پنجاه قرن بیستم، کشورهای عمده تولیدکننده نفت را در سال ۱۹۶۰ در بغداد کنار هم آورد تا این کشورها برای منافع از دست‌رفته خود چاره‌ای بیندیشند و در مقابل دیگر بازیگران نفتی صف‌آرایی قدرتمندی تشکیل دهند که با امضای موافقت‌نامه تشکیل سازمان کشورهای صادرکننده نفت^۱، اولین گام خود را برداشتند. در سال ۱۹۶۱ اساسنامه اوپک^۲ در کاراکاس به تصویب کشورهای عضو رسید (<https://www.opec.org/opec> – web/en/about_us/24.htm) تا کشورهای جهان‌سومی تولیدکننده و صادرکننده نفت، قدرت چانه‌زنی خود را بالا ببرند؛ اما ساختار آن مانع اتفاق و اتحاد کارا به‌منظور تدوین سازوکاری برای تجارت انرژی‌های فسیلی در سطح جهانی است.

در مقدمه موافقت‌نامه تأسیس تأکید شده است که کشورهای عضو به درآمدهای حاصل از صادرات نفت نیازمند هستند و این درآمدها کسری بودجه آن‌ها را به تعادل خواهد رساند و با بیان این که منابع نفتی در حال اتمام و تضييع هستند، نگرانی خود را با تأکید بر لزوم جایگزینی این منابع بیان می‌دارد. این سازمان به دنبال ثبات قیمت است^۳. در مجموع مشاهده می‌گردد که اوپک در پی هماهنگی و متحدالشکل نمودن سیاست‌های نفتی کشورهای عضو و حمایت از منافع فردی و جمعی اعضای خود بود (بیگزاده، ۱۳۹۷: ۸۱۷).

در کنار هدف اوپک که مانع اصلی ایفای نقش آن برای تنظیم سازوکاری جهانی برای انرژی‌های فسیلی است، ساختار آن نیز مانع چنین جایگاهی خواهد بود. محدودیت عضویت اعضای جدید مانعی جدی شمرده می‌شود؛ به نحوی که طبق موافقت‌نامه تأسیس و اساسنامه اوپک صرفاً کشورهای عضو سازمان خواهند شد که با لحاظ میزان واردات خود مقادیر قابل‌توجهی نفت خام صادر می‌کنند و با کشورهای عضو سازمان منافع مشابه دارند^۴؛ اما به‌رغم تنش مداوم بین اعضایش، توانست در دهه هفتاد قرن بیستم، هماهنگی خوبی در راستای اهداف سازمان و در مقابل کشورهای صنعتی از خود نشان دهد و به نفع اعضا در مواقع مختلف بر قیمت نفت اثر بگذارد (همان: ۸۱۹).

یکی از مهم‌ترین تلاش‌های اوپک برای تنظیم بازار انرژی‌های فسیلی را می‌توان در اعلامیه سیاست‌های نفتی کشورهای عضو^۵ دید که در این اعلامیه، به تلاش کشورهای عضو برای بهره‌برداری

1. The Agreement Concerning the Creation of the Organization of Petroleum Exporting Countries, Baghdad, 14 september 1960.

2. the organization of the petroleum exporting countries (OPEC)

3. The Agreement Concerning the Creation of the Organization of Petroleum Exporting Countries, Baghdad, 14 september 1960.

4. OPEC Statute Art 7(c)

5. declaratory statement of petroleum policy in member countries, resolution XVI, no. 90, 1968.

بالمباشره از منابع نفتی و در صورت عدم امکان از طریق عامل خارجی و نظارت بر کلیه عملیات اکتشاف و تولید و نیز تجدیدنظر در قراردادهای منعقد شده با تغییر اوضاع و احوال به همراه مسائلی مانند تولید صیانتی تأکید شده است (شیروی، ۱۳۹۳: ۵۱۹).

مجمع کشورهای صادرکننده گاز^۱، سازمان دیگری است که تولیدکنندگان انرژی‌های فسیلی را این بار درخصوص گاز گرد هم آورده است. همانند اوپک که به دنبال منافع اعضای خود بود، در این مجمع نیز حمایت از حقوق حاکمیتی کشورهای عضو و توانمندسازی آن‌ها به نفع ملت‌هایشان مدنظر است^۲، بدون آن که طرحی جامع و جهانی برای تجارت انرژی گاز داشته باشد. به‌رغم اعضای بیشتر این مجمع در مقایسه با اوپک و حضور کشورهایمانند روسیه و نروژ و با توجه به اهداف و حوزه فعالیت، مجمع نیز امکان ایفای نقش تنظیمی جهانی در بازار این حوزه از انرژی‌های فسیلی را نخواهد داشت.

سومین سازمان در صف تولیدکنندگان، سازمان کشورهای عربی صادرکننده نفت (اوپک)^۳ خواهد بود که با هدف حفظ منافع کشورهای عضو و هماهنگی میان اعضا در فعالیتهای مرتبط با بخش صنعت نفت ایجاد شد (بیگزاده، ۱۳۹۷: ۹۴۵). این سازمان نیز به‌رغم تمرکز بر اهدافی مانند تضمین نفت مصرفی برای کشورهای مصرف‌کننده براساس قیمتی منصفانه و تعامل در جلب سرمایه‌گذاری در بخش صنعت نفت و با توجه به ترکیب اعضایش، همانند دو سازمان قبلی از ایفای نقشی جهانی بازخواهد ماند.

۱. ۲. صف آرای مصرف‌کنندگان عمده انرژی‌های فسیلی

در آن سو، هم‌زمان با تولد اوپک، سازمان توسعه همکاری اقتصادی^۴ آغاز به کار کرد که ادامه‌دهنده راه سازمان همکاری اقتصادی اروپاست که در سال ۱۹۴۷ برای احیای اروپای آسیب‌دیده از جنگ جهانی تشکیل شده بود. سازمان دیگری که از بطن این سازمان متولد شد، آژانس بین‌المللی انرژی^۵ با مأموریت اصلی مقابله با تصمیمات اوپک است که این آژانس به دنبال تأمین و تضمین منافع دولت‌ها و شرکت‌های غربی در بازار نفت، درهم شکستن اقتدار سازمان اوپک و تثبیت قیمت نفت در بازارهای جهانی بود (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۴: ۱۹۶).

آژانس بین‌المللی انرژی برای درهم کوبیدن انحصار اوپک فعالیت گسترده‌ای را در برنامه خود تعریف کرده است؛ به‌نحوی که افزون بر نفت و گاز طبیعی، دیگر انواع انرژی مانند انرژی اتمی و انرژی‌های تجدیدپذیر مانند خورشید و برق را در دستور کار خود دارد (<https://www.iea.org/topics/>). این

-
1. The Gas Exporting Countries Forum (GECF)
 2. GECF Statute Article 3(A)
 3. Organization of Arab Petroleum Exporting Countries (OAPEC)
 4. The Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)
 5. International Energy Agency (IEA)

گسترده‌گی دامنه کاری می‌توانست نویدبخش سازمانی با کارکردی عام برای تنظیم تجارت انرژی در سطح جهان باشد؛ به‌ویژه که تلفیق سیاست‌های انرژی و محیط‌زیست، بخشی از برنامه کاری آژانس بوده و در نشست وزیران در سال ۱۹۹۳ در سندی با عنوان «اهداف مشترک آژانس بین‌المللی انرژی»^۱ در کنار دیگر اهداف آژانس، بر آن تأکید شده است. افزون بر این، یکی از اهداف آژانس ارتقای سیاست‌های معقول انرژی در سطح جهانی و برای ارتباط با کشورهای غیر عضو و دیگر سازمان‌های بین‌المللی ذکر شده است (Wilson, 2016: 5)؛ اما تعمق در دیگر اهداف آژانس آشکارا نمایان خواهد کرد که آژانس مانند سازمانی عام و مقبول جامعه بین‌المللی به دنبال منافع مشترک جهانی نیست و اولویت کاری آن، تأمین منافع اعضای خود است؛ برای نمونه، یکی از عملکردها و سیاست‌های آژانس کاهش واردات نفت است (Scott, 1994: 164) که آشکارا در تقابل با منافع کشورهای تولیدکننده نفت خواهد بود. یا سیاست ذخیره‌سازی^۲ نفت که در آژانس پیگیری می‌شود، به دنبال این هدف است که برای تنظیم بازار، اعضا ذخایری از نفت به میزان مقرر، در داخل یا خارج از کشور داشته باشند تا در مواقع بحرانی با تزریق نفت ذخیره‌شده به بازار، مانع افزایش قیمت شوند (Scott, 1994: 164). طبیعتاً این عمل نیز در تعارض با منافع کشورهای تولیدکننده خواهد بود که می‌خواهند سرمایه‌های نهانی و محدود خود را برای منافع کشور خود به بالاترین قیمت به فروش رسانند (Scott, 1994: 101). بدین طریق نمی‌توان از آژانس بین‌المللی انرژی توقع داشت که بتواند تنظیم‌گر بازار جهانی با مقبولیت عام و بین‌المللی باشد.

افزون بر موانعی که در اهداف یادآوری شد، همانند ایراد وارده به ترکیب اعضای اوپک، می‌توان به ساختار و اعضای آژانس نیز این ایراد را وارد کرد و با این شرایط آژانس نمی‌تواند سازمانی با کارکرد جهانی برای تنظیم بازار انرژی‌های فسیلی جهان باشد. اولین شرط برای عضویت در آژانس، عضویت در سازمان همکاری اقتصادی و توسعه است (بیگزاده، ۱۳۹۷: ۹۰۷). هم‌چنین عضویت در سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۳ منجر به عضویت خودکار در آژانس نخواهد شد و افزون بر آن: اولاً، کشور متقاضی عضویت در آژانس بایستی به‌طور خالص واردکننده نفت باشد و ثانیاً، ثابت کند که می‌تواند از عهده اهداف و برنامه‌های آژانس برآید (<https://www.iea.org/countries/members/>).

۲. تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان انرژی دوشادوش هم: تلاش برای اتفاق

پس از ناکامی صف‌آرایی دو دسته تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان انرژی برای تنظیم سازوکاری جهانی برای انرژی‌های فسیلی و نیاز روزافزون جامعه بین‌الملل برای یافتن راهکاری برای حل این مشکل،

1. IEA Shared Goals
2. Conservation
3. OECD

به مرور نمایان شده است که چاره کار را، نه در تقابل، بلکه در تعامل و اندیشیدن در چاره‌ای که جز به اتفاق و احترام به خواسته‌های طرف مقابل محقق نخواهد شد، باید جست‌وجو کرد. برای دستیابی به این منظور، کشورها کوشش‌های زیادی برای ایجاد سازمان‌های بین‌المللی و انعقاد معاهداتی کرده‌اند که دو گروه از کشورها را یکجا گرد آورند یا به طریقی منافع هر دو دسته را یک‌کاسه کنند؛ اما این کوشش‌ها تا چه میزان چاره‌ساز بوده و توانسته وفاقی عام برای رسیدن به مقصود ایجاد کند، محل تردید است.

در این بخش، کارکرد و علل ناکارآمدی این هم‌دوشی‌ها در سازمان‌ها و معاهداتی که برای این منظور ترسیم شده‌اند، در چهار بند بررسی خواهد شد.

۱.۲. مجمع بین‌المللی انرژی؛ تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان بر سر میز گفت‌وگو

پس از کشمکش‌ها و صف‌آرایی‌های طولانی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در دو جبههٔ اوپک و سازمان بین‌المللی انرژی، چاره‌ای جز جمع شدن بر سر یک میز گفت‌وگو و یافتن راه‌حلی برای انرژی جهان نبود. مجمع بین‌المللی انرژی^۱ به‌عنوان سازمانی متشکل از کشورهای تولیدکنندهٔ نفت عضو اوپک و کشورهای مصرف‌کنندهٔ عضو سازمان بین‌المللی انرژی و برخی دیگر از کشورهای مؤثر با هدف درک و یافتن منافع مشترک در کلیت انرژی جهانی در چهارچوب مذاکرات غیررسمی تشکیل شد (<https://www.ief.org/about-ief/ief-overview.aspx>).

بند «الف» از بند اول اساسنامهٔ مجمع بین‌المللی انرژی چنین بیان می‌دارد که این مجمع همایشی دوسالانه است که در چهارچوب مذاکرات غیررسمی بین کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کنندهٔ نفت و گاز دربارهٔ موضوع‌ها و مسائل تأثیرگذار بر کل بازار جهانی انرژی را فراهم می‌سازد (<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/801089>).^۲ این مجمع با ماهیت دولتی و در قالب جهانی با صلاحیت خاص و با هدف همکاری بین اعضا برای اثرگذاری مشترک بر کل بازار جهانی انرژی، به‌عنوان سازمانی دائمی تشکیل شده است (بیگزاده، ۱۳۹۷: ۸۵-۸۶).

با توجه به اعضای مجمع که مشتمل بر اعضای کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کنندهٔ انرژی و دیگر کشورهای صنعتی تأثیرگذار در امر انرژی است و نبود مانعی برای ورود اعضای جدید در اساسنامهٔ آن و تمرکز بر کلیهٔ ابعاد انرژی‌های فسیلی، بستر اولیه برای جهانی قلمداد شدن را دارد؛ اما آنچه مانع تحقق چنین نقشی برای مجمع خواهد بود، ماهیت آن است که برای مذاکرات غیررسمی کشورهای سهیم در

1. International Energy Forum (IEF)

۲. جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۰ با تصویب ماده‌واحد الحاقی و اساسنامهٔ مجمع، توسط مجلس شورای اسلامی یکی از ۲۲ عضو این سازمان است.

مسئله انرژی طراحی شده است. چنانچه سازمانی تنها محل بحث و گفت‌وگو درباره موضوع‌های انرژی و تشریح اطلاعات باشد و التزام رسمی و سازوکار کافی برای حل‌وفصل اختلافات وجود نداشته باشد، این سازمان را از تقویت ظرفیت‌هایش و تسریع در همکاری باز خواهد داشت (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۷: ۱۲۸-۱۲۹) و امکان جهانی قلمداد کردن آن را، به‌عنوان سازمانی که بتواند نقش اول تنظیمی برای سازوکارهای جهانی در حوزه انرژی داشته باشد، سلب خواهد کرد. آنچه درنهایت می‌تواند امیدوارکننده باشد، امکان مذاکرات غیررسمی پیوسته تحت حاکمیت این مجمع و رسیدن به توافقی در قالب معاهده‌ای جهانی با مقبولیت عام در آینده است.

۲.۲. سازمان تجارت جهانی؛ تجربه‌ای ناکارآمد

بررسی کوشش‌های جامعه بین‌الملل در تنظیم سازوکاری جهانی برای انرژی‌های فسیلی بدون بررسی جایگاه سازمان تجارت جهانی^۱ در تجارت انرژی ممکن نخواهد بود. از نظر اعضا و کشورهای که می‌توانند عضو سازمان گردند، سازمان تجارت جهانی می‌تواند تمامی بازیگران انرژی‌های فسیلی را گرد هم آورد (Herdeger, 2016: 202). افزون بر این، سازمان تجارت جهانی مانند آژانس بین‌المللی انرژی صرفاً دربردارنده کشورهای عمده صنعتی و واردکننده نفت نیست، بلکه اکثریتی نزدیک به سه‌چهارم اعضای آن را کشورهای درحال توسعه تشکیل می‌دهند (Herdeger, 2016: 202) که شامل بسیاری از کشورهای تولیدکننده هیدروکربور است. ایرادی که به اوپک و آژانس بین‌المللی انرژی درباره اعضا وارد بود و آن‌ها را به‌عنوان سازمان‌هایی معرفی می‌کرد که پرهیز جدی از ورود اعضای جدید داشتند و کاملاً نهادینه و مبتنی بر معاهدات رسمی به‌دنبال تثبیت بازار جهانی انرژی بودند، در سازمان تجارت جهانی مفقود است و این سازمان چیزی را که برای جهانی شدن آن لازم است، یعنی گستره اعضا بازتابی از جهان امروز باشد (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۷: ۱۲۸)، داراست. درمجموع ملاحظه می‌گردد که ساختار سازمانی و اهداف سازمان تجارت جهانی می‌توانست به کشمکش بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان انرژی پایان بخشد و اتفاق و اتحاد جهانی را رقم زند، اما مشکلی را که مانع ایفای چنین نقشی برای سازمان تجارت جهانی شد، باید در جای دیگری جست‌وجو کرد. طبق قوانین و مقررات گات و سازمان تجارت جهانی، قواعدی مانند رفتار ملت‌های کامله‌الوداد، رفتار ملی، آزادسازی تجاری از راه حذف یا کاهش تعرفه‌ها و موانع غیرتعرفه‌ای تجاری، دسترسی آزاد به بازارها و دیگر اصول پایه در تجارت انرژی نیز کاربرد خواهد داشت (Selivanova, 2007: 13-20)؛ اما نه در گات ۱۹۴۷ و نه در خود سازمان، مقرراتی مختص نفت به‌چشم نمی‌خورد. چرایی این بی‌توجهی به مسئله نفت را در علل مختلفی می‌توان یافت. از سویی، بیشتر

1. World Trade Organization (WTO)

کشورهای تولیدکننده عمده نفت تا سال ۱۹۸۰، عضو گات نبوده‌اند (Ibid: 4) و حتی هیچ کشور عمده تولیدکننده نفت جزء مؤسسان گات شمرده نمی‌شوند (Ibid: 11). از سوی دیگر، نفت کالایی با مشخصه سیاسی و راهبردی است که با مختصات یک کالای تجاری هم‌خوانی کامل ندارد و طبیعی است که کشورها، نه تمایل و نه امکان داشته باشند که بر سر آن مذاکره و تصمیم‌گیری کنند.^۱

هم‌چنین مسائل مربوط به هیدروکربورها صرفاً محدود به تجارت و سرمایه‌گذاری نمی‌شود که سازمانی مانند سازمان تجارت جهانی بتواند تمامی ابعاد آن را دربر گیرد. مسئله انرژی در سهرای مسائل اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی قرار دارد (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۷: ۱۲۶) و سازمانی که بیشترین تمرکز آن بر مسائل اقتصادی و تجاری باشد نمی‌تواند به‌عنوان نهادی تنظیم‌گر، سازوکاری جهانی برای انرژی، به‌ویژه انرژی‌های فسیلی، تنظیم کند. افزون بر این، برای برعهده گرفتن نقشی جهانی برای تنظیم مسئله هیدروکربور بایستی کلیه ابعاد مسئله نفت از اکتشاف، توسعه، تولید و ترانزیت گرفته تا فروش و فرآوری آن، داخل در حوزه سازمان باشد (شیروی، ۱۳۹۳: ۵۴۰). بنابراین سازمان تجارت جهانی در این‌باره تجربه‌ای ناکارآمد به‌شمار می‌رود.

۲.۳. معاهده منشور انرژی؛ هم‌پیمانی برای هدفی مشترک؟

حوادث پس از فروپاشی شوروی با آثار جانبی آن، آبستن معاهده‌ای بود که به طریقی قصد یکپارچگی نظام حقوقی انرژی جهان را داشت. معاهده‌ای با عنوان منشور انرژی^۲ که با یک مقدمه شروع و در هشت فصل، پنجاه ماده در دل خود جای داده و چهارده ضمیمه را لاینفک به‌دنبال می‌کشد، در ماده ۲، هدف خود را ایجاد یک چهارچوب حقوقی به‌منظور ترویج همکاری بلندمدت در زمینه انرژی، مبتنی بر منافع مکمل و متقابل، مطابق با اهداف و اصول منشور ملل متحد، بیان می‌دارد. معاهده دارای جنبه‌های اصلی که شامل حمایت از سرمایه‌گذاری و توسعه آن براساس اصول عدم تبعیض و شرط ملت‌های کامله‌الوداد، تجارت آزاد بین‌المللی بر طبق قوانین سازمان تجارت جهانی، توسعه بخش قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری کشورها در انطباق هرچه بیشتر با مقررات حقوق بین‌الملل و ترانزیت آزاد انرژی برای تأمین امنیت، عرضه بدون وقفه آن است؛ و جنبه فرعی معاهده نیز ایجاد بازارهای مالی و اعتباری، انتقال فناوری، توسعه حقوق و شرایط رقابت و حفاظت از محیط‌زیست و توسعه کارایی در بخش انرژی را شامل می‌شود (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۴: ۱۳۷).

۱. در زمان مذاکرات گات نیز کشورهای مصرف‌کننده برای اجتناب از تنش بازار بر سر مسئله نفت ترجیح می‌دادند که در این خصوص وارد نشوند. هم‌چنین گات و متعاقب آن سازمان برای کاهش تعرفه‌ها به وجود آمده بود و نفت تعرفه ناچیزی بر واردات را شامل می‌شد (غیبی، ۱۳۸۵: ۶۲).

2. Energy Charter Treaty (ECT)

حتی در این معاهده در بند اول ماده ۱۸، مهم‌ترین دغدغه کشورهای تولیدکننده نفت، یعنی حاکمیت بر منابع انرژی عنوان خاصی به خود می‌گیرد و صراحتاً نه این‌که شناسایی شود، بلکه به آن اذعان می‌شود. بندهای دیگر همین ماده، حق کشورها در انعقاد قراردادهای نفتی به تشخیص خود و تحت هر قالب و اختصاص شروط قراردادی برای تخصیص مناطق اکتشاف و توسعه، بهبود تولید و تولید صیانتی از میدان‌های نفتی و دیگر مسائل مرتبط را به رسمیت می‌شناسد.

برای تحقق اهداف معاهده در بخش هفتم و مواد ۳۴ و ۳۵ شکل سازمانی به معاهده می‌دهد و ارکان کنفرانس، کمیته بودجه و دبیرخانه‌ای برای آن تعریف می‌کند تا در قالبی سازمان‌یافته اهداف آن را پیش برد (<https://energycharter.org/who-we-are/institutions/>). در بخش پنجم نیز در مواد ۲۶ و ۲۷ نظام حل‌وفصل اختلاف در چهارچوب معاهده در دو سطح اختلاف بین سرمایه‌گذار و دولت میزبان و دو دولت متعاقد پیش‌بینی می‌گردد (<https://energycharter.org/what-we-do/dispute-settlement/overview/>) تا نویدبخش ظهور سازوکاری مطلوب برای در دست گرفتن نقش تنظیمی برای انرژی، اعم از هیدروکربورها، در سطح جهان باشد. در مجموع معاهده منشور انرژی عمده کاستی‌هایی مانند دربرداشتن کلیه مسائل مربوط به هیدروکربور از سرمایه‌گذاری تا ترانزیت و تجارت و دغدغه کشورهای تولیدکننده درباره مالکیت بر منابع زیرزمینی و اعمال حاکمیت بر آن را در کنار سازوکاری برای حل‌وفصل اختلافات را که هرکدام از سازمان‌های دیگر که قصد بازیگردانی جهانی برای انرژی‌های فسیلی با آن روبه‌رو بودند، پیش‌بینی کرده است؛ اما عملکرد این معاهده نشان می‌دهد که نتوانسته است به مقبولیت عام در جامعه بین‌المللی دست یابد.

این معاهده برای کشورهای غرب و شرق اروپا منافع زیادی را تأمین می‌کند و به همین دلیل بیشتر کشورهای اروپایی بی‌درنگ آن را پذیرفته و به عضویت آن درآمده‌اند (Wälde, 1996: 139)؛ اما بسیاری از کشورهای غیراروپایی عضو سازمان توسعه همکاری اقتصادی^۱ چنین سازوکاری را نپذیرفتند. آمریکا این معاهده را تلاش کشورهای اروپای غربی برای دست یافتن به انحصار منابع و بازار شرق دانست که شرکت‌های آمریکایی مشخصاً دنبال آن بودند (Wälde, 1996: 140). به همین دلیل با وجود امضای منشور انرژی اروپایی توسط آمریکا در سال ۱۹۹۱، به عضویت معاهده درنیامد. روسیه نیز در سال ۲۰۰۹ عدم تمایل خود به ادامه عضویت در معاهده را بیان کرد و آن را موافق منافع خود ندانست (Pominova, 2014: 1). افزون بر آمریکا، دیگر کشورهای مهم و قدرتمند اقتصادی مانند کانادا، چین و هند نیز به معاهده ملحق نشده‌اند. هم‌چنین در فهرست اعضای معاهده هیچ‌یک از کشورهای تولیدکننده نفت، مشخصاً اعضای اوپک، به چشم نمی‌خورد (<https://energycharter.org/who-we-are/members->

(observers/). هرچند سازمانی مهم در سطح جهان مانند اتحادیه اروپا، مستقل از اعضای خود وارد این معاهده شده است، اما بین اوپک و معاهده منشور انرژی وجود زاویه مفروض است که نه خود و نه اعضایش، عضو این معاهده نیستند. بدیهی است که بدون حضور تمام بازیگران عرصه انرژی‌های فسیلی نمی‌توان انتظار کارکردی جهانی از آن داشت.

علت این عدم استقبال را در موارد متعددی باید جست‌وجو کرد. همانند بسیاری از معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری^۱، اصولی مانند اصل رفتار عادلانه و منصفانه، ملت‌های کامله‌الوداد، جبران غرامت فوری، مکفی و مؤثر در صورت مصادره و ملی کردن و شروطی مانند شرط التزام عام، در معاهده منشور انرژی نیز آمده^۲ است. جدا از این تعهدات، کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی بایستی مقررات سازمان درباره موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت^۳ را رعایت کنند و کشورهایی که عضو سازمان نیستند بایستی مفاد ماده پنج معاهده و الحاقیه مربوط به آن را که تکلیفی همانند مقررات گات و تریمز دارد، بجا آورند (شیروی، ۱۳۹۳: ۵۵۱). هرچند تعدادی از کشورهایی که عضو سازمان تجارت جهانی نیستند، با الحاق به معاهده منشور انرژی این تعهدات را پذیرفته‌اند، اما پذیرش آن برای ایران که دارای قوانینی مانند قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی است و بر مبنای آن در تأمین مواد اولیه و فنی برای سرمایه‌گذاری بین کالای داخلی و خارجی تمایز قائل می‌شود، امکان پذیرش چنین تعهدی با زیرساخت‌های فعلی وجود نخواهد داشت.

افزون بر اصول مدنظر در سرمایه‌گذاری، در امر تجارت انرژی نیز تعهداتی برای اعضا در نظر گرفته شده است که ریشه در تجارت آزاد کالاها و محصولات انرژی دارد. پس از تشکیل سازمان تجارت جهانی، کشورهای عضو معاهده منشور انرژی، الحاقیه راجع به مقررات تجاری منشور انرژی را امضا کرده‌اند که با امضای آن، تجارت محصولات مرتبط با انرژی مشمول مقررات گات ۱۹۹۴ قرار گرفته است (<https://energycharter.org/process/energy-charter-treaty-1994/trade-amendment/>) که بر این مبنای کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی ملزم به رعایت مقررات سازمان در زمینه تجارت آزاد خواهند بود و کشورهایی که هنوز عضو سازمان تجارت جهانی نیستند، ملزم به رعایت مقررات و معیارهای آزادسازی تجاری و گات در حوزه انرژی هستند (شیروی، ۱۳۹۳: ۵۵۰). همانند بحث سرمایه‌گذاری این تکلیف نیز می‌تواند مانعی برای پیوستن بسیاری از کشورها باشد. جدا از تعهدات و مشکلاتی که می‌تواند موجب کم‌رغبتی بسیاری از کشورها در عضویت این معاهده باشد، روند دشوار عضویت نیز مانع استقبال کشورها خواهد بود.^۴

1. bilateral investment treaty (BIT)

2. ECT Arts 10, 13, 14

3. TRIMs

۴. الحاق کشورها به معاهده، فرایندی چندسطحی تقریباً هفت‌ساله را می‌پیماید

در مجموع ملاحظه می‌گردد که معاهده منشور انرژی نتوانسته است به این مشکل اساسی پایان دهد و حضور پنجاه‌ودو کشور و چند سازمان بین‌المللی، هرچند از تمام قاره‌های دنیا، نمی‌تواند خصیصه‌ای جهانی به آن دهد. به نظر بیشتر از آنکه این معاهده تلاشی برای هم‌پیمان شدن برای هدفی مشترک که همانا تنظیم سازوکار جهانی برای تجارت انرژی‌های فسیلی باشد، بیشتر در خدمت کشورهای اروپایی بوده است؛ به‌ویژه با در نظر گرفتن مقررات معاهده در زمینه ترانزیت انرژی، مشخص است که چنین مقرره‌ای بیشتر در پرتو نگرانی‌های اروپا در دل معاهده جا خوش کرده است؛ زیرا کشورهای اروپا بیش از سایر کشورها، به انتقال امن گاز از طریق لوله، به‌وسیله کشورهای دور تولیدکننده گاز طبیعی نیاز دارند (شیروی، ۱۳۹۳: ۵۵۲).

۴.۲. آژانس بین‌المللی انرژی‌های تجدیدپذیر و امید به آینده

در سال ۱۹۸۱ در کنفرانس سازمان ملل درباره منابع انرژی‌های نو و تجدیدپذیر در ناپروبی کنیا، نخستین بار طرح اختصاص سازمانی بین‌المللی به انرژی‌های تجدیدپذیر کلید خورد. با استقبال جهانی به این نوع از انرژی‌ها، رهبران جهان نشست‌های متعددی را با هدف سیاست‌های انرژی‌های تجدیدپذیر و مسائل مالی و فنی آن تشکیل دادند. با گسترش نگرانی‌های تغییرات اقلیمی و رشد فزاینده درخواست جهانی انرژی، لزوم ابتکار در تأسیس چنین سازمانی بیش‌ازپیش احساس می‌شد. از این‌رو اولین کنفرانس آژانس در اواسط آوریل ۲۰۰۸ در برلین آلمان با حضور ۱۷۰ نماینده از شصت کشور جهان به‌منظور یافتن راهی برای تأسیس هرچه سریع‌تر این سازمان گشایش یافت. آژانس بین‌المللی انرژی‌های تجدیدپذیر می‌بایست به‌عنوان اولین سازمان بین‌الدولی برای توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر اختصاص می‌یافت (<https://www.irena.org/history/firstpreparatoryconference>). کنفرانس تأسیس آژانس در ۲۶ ژانویه ۲۰۰۹ در بن آلمان آغاز به‌کار کرد که هفتادوپنج کشور در آن زمان اساسنامه آژانس را امضا کردند (<https://www.irena.org/history/foundingconference>). در نهایت با امضای اکثریت لازم و لازم‌الاجرا شدن اساسنامه آژانس در هشتم جولای ۲۰۱۰، مقدمات آغاز مجمع عمومی آژانس کلید خورد و در چهارم آوریل ۲۰۱۱ و فقط سه سال پس از اولین کنفرانسی که تصمیم به ایجاد آژانس بین‌المللی انرژی‌های تجدیدپذیر گرفت، کمیسیون مقدماتی منحل و آژانس رسماً متولد شد. از زمان تولد آژانس تاکنون به‌رغم منع رزرو در اساسنامه آن^۲، توانسته ۱۶۰ کشور را عضو خود کند

(ECT Art 43 & <http://energydiplomacy.com/?p=1115>)

1. FIFTH SESSION OF THE PREPARATORY COMMISSION AND FIRST SESSION OF THE ASSEMBLY OF THE INTERNATIONAL RENEWABLE ENERGY AGENCY.
2. ILENA Sta Art19.

(<https://www.irena.org/irenamembership>) که رقم بسیار امیدوارکننده‌ای است که هیچ‌یک از سازمان‌های انرژی محور مورد مطالعه نتوانسته بودند به چنین توفقی دست یابند. اما پرسش این است که آیا می‌توان امیدوار بود آژانس با توجه به ظرفیت مقبولیت خود که اکثریت کشورهای جهان، از مصرف‌کنندگان عمده تا تولیدکنندگان انرژی‌های فسیلی را دور خود جمع کرده است، مسئله انرژی‌های فسیلی را نیز در قالب سازوکاری قابل قبول برای اعضایش تنظیم کند؟ این سازمان با بازگذاشتن در خود به روی تمام کشورهای عضو سازمان ملل متحد و سازمان‌های هم‌گرایی اقتصادی بین دولتی منطقه‌ای بدون هیچ پیش‌شرطی، می‌تواند به لحاظ اعضا بازتابی واقعی از جامعه بین‌الملل باشد؛ اما به لحاظ دامنه کاری و مسئله طراحی ساختار و التزام آن، جای تردید است. طبق مقدمه اساسنامه آژانس و ماده ۲ آن، حوزه فعالیت و ساختار سازمانی آژانس: اولاً، این سازمان تمرکز خود را بر انرژی‌های تجدیدپذیر نهاده و به دنبال نقش تنظیمی مستقیم درباره انرژی‌های فسیلی نیست و صرفاً از آثار منفی جدی که استفاده از سوخت‌های فسیلی و استفاده نامناسب از سیستم‌های زیست‌توده قدیمی می‌تواند بر سلامت داشته باشد، ابراز نگرانی کرده و بیشترین تلاش خود را به جایگزینی انرژی‌های تجدیدپذیر با انرژی‌های تجدیدناپذیری مانند انرژی‌های فسیلی، قرار داده است؛ ثانیاً، نحوه بیان و ادبیات عبارات اساسنامه نیز به گونه‌ای است که گویا سازمان تنها محل بحث و گفت‌وگو درباره موضوع انرژی‌های تجدیدپذیر و تشریح اطلاعات است. چنین طرح سازمانی، اگرچه موجب جذب حداکثری اعضا گردد، اما هرگونه شکل عمیق همکاری بین‌الدولی را نامحتمل خواهد ساخت (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۷: ۱۲۸). با این حال، دور از انتظار نیست که روزی آژانس بتواند با بهره بردن از ظرفیت بالای اعضای خود، به نحوی پیش رود که در پرتو مدیریت انرژی‌های تجدیدپذیر، راهکاری برای دیگر انواع انرژی مانند هیدروکربورها بیابد یا هدف مشترک جامعه متشکله این سازمان، اعضا را مجاب کند که درباره منابع انرژی فسیلی راهکار واحدی در پیش گیرند و این امیدواری وجود دارد.

۳. محیط زیست، درد مشترک و آخرین پایگاه

یووال نوح هراری در کتاب *انسان خردمند*، با نگاهی به تاریخ بشریت چنین بیان می‌دارد که: ظهور مشکلاتی که اساساً جهانی هستند مثل ذوب شدن یخ‌های قطبی، باقی‌مانده مشروعیات دولت‌های ملی مستقل را هم از بین می‌برد. هیچ دولت مقتدری قادر نیست به تنهایی بر مشکل گرم شدن جهان فائق آید ... چه بسا رنگ امپراتوری جهان سبز باشد ... کشورها ناچارند خود را با استانداردهای مربوط به رفتار مالی، سیاست زیست‌محیطی و عدالت تطبیق دهند ... امپراتوری جهانی که در مقابل چشمان ما شکل می‌گیرد توسط یک کشور یا یک گروه قومی خاص اداره نمی‌شود، بلکه بسیار شبیه امپراتوری روم، توسط هیأتی

چندقومی از خاصان و نخبگان اداره می‌شود و فرهنگی مشترک و منافع مشترک به آن انسجام می‌بخشد (نوح هراری، ۱۳۹۷: ۲۹۳).

این گفته هراری مانند ترسیم نقش سازمان‌های بین‌المللی و اجتماعات دیگر ملل متحد در قالب اسناد بین‌المللی، به‌عنوان امپراتوری‌های عصر جدید برای اداره مشکل اصلی جهان امروز، یعنی محیط‌زیست یا به تعبیر همو قلمرو سبز، است؛ اما در اینجا پرسشی اساسی رخ می‌نماید که چرا چنین امپراتوری‌هایی تاکنون نتوانسته است از پس مشکل پیش‌رو برآید و راهکاری قطعی و نهایی برای انرژی‌های فسیلی و متعاقب آن، این درد مشترک - یعنی محیط‌زیست - بیابد؟

۱.۳. محیط‌زیست دغدغه مشترک سازمانی

با وجود همه کاستی‌هایی که سازمان‌های مورد مطالعه برای رسیدن به سازوکار جهانی مورد نظر داشتند، همگی به‌نحوی به مسئله محیط‌زیست پرداخته‌اند که می‌تواند مخرج مشترک فعالیت تمامی این سازمان‌ها باشد. محیط‌زیست یکی از حوزه‌های مشمول فعالیت اوپک بوده و به‌عنوان سازمانی که اعضای آن در حوزه بالادستی و پایین‌دستی نفت فعال هستند، توجه کافی به تأثیرات زیست‌محیطی داشته است. این سازمان به‌دنبال حمایت از ارتقا و توسعه فناوری‌های سوخت‌های فسیلی پاک است. اوپک در حوزه‌های متعدد، از جمله کاهش تغییرات آب‌وهوایی، فعال است. درباره کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای جانب انصاف و بی‌طرفی را رعایت و از فناوری‌های ذخیره و نگهداری کربن حمایت کرده است. افزون بر آن، به‌دنبال ارتقای معیارهای کیفی محصولات به‌عنوان عامل کاهش آلودگی بوده است (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۴: ۱۹۲-۱۹۵)؛ برای نمونه، همه اعضای اوپک کنوانسیون ساختاری سازمان ملل درباره تغییرات آب‌وهوایی^۱ را امضا کرده‌اند (https://www.opec.org/opec_web/en/press_room/315.htm).
اژانس بین‌المللی انرژی نیز که از آغاز تأسیس به‌دنبال تقابل با انحصار بازارهای نفتی بوده، یکی از رویکردهای خود را همکاری در ادغام سیاست‌های زیست‌محیطی و انرژی نهاده است. این اژانس از طریق ارائه راهکارهای عملی توسعه سیاست‌های انرژی که تغییرات آب‌وهوایی را مدنظر قرار دهد و ارائه بانک اطلاعاتی برای کاهش گازهای گلخانه‌ای، اهداف خود را پیش برده و از کنوانسیون ساختاری سازمان ملل درباره تغییرات آب‌وهوایی حمایت کرده است (<https://www.iea.org/topics/climatechange/>)؛ تا بدین‌جا ملاحظه می‌گردد که هر دو طیف تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، دغدغه محیط‌زیست و تغییرات آب‌وهوایی را داشته‌اند و طبیعتاً سازمان‌هایی که با هدف اتفاق ایجاد شده یا کارکرد ایجاد وفاق برای این دو صف را دارند نیز می‌بایست به این مهم پرداخته باشند.

1. the United Nations Framework Convention on Climate Change (UNFCCC).

در سازمان تجارت جهانی نیز به‌رغم نبود موافقت‌نامه‌ای مستقل درباره محیط‌زیست، اکثر موافقت‌نامه‌های تحت پوشش سازمان دارای ضوابط زیست‌محیطی است که دبیرکل سازمان از آن به‌عنوان مقررات سبز یاد کرده است (محمودی کردی، ۱۳۹۲: ۱۱)؛ برای نمونه، بند «ب» ماده ۲۰ گات به کشورها اجازه می‌دهد برای حفاظت از سلامت و حیات انسان، حیوان و گیاه اقداماتی را انجام دهند که تفسیر گات نیابستی به شیوه‌ای باشد که مانع اجرای این اقدامات توسط دولت‌ها گردد (Herdege, 2016: 200). همین دغدغه در معاهده منشور انرژی نیز دیده می‌شود. در مقدمه این معاهده تأکید بسیاری بر موضوع‌های زیست‌محیطی شده است (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۴: ۱۳۷). افزون بر این، ماده ۱۹ صراحتاً به تعهدات محیط‌زیستی اشاره و تأکید می‌کند. هرچند این ماده با عباراتی تشویقی و به‌ظاهر غیرالزام‌آور نقش بسته است، اما دربردارنده کامل‌ترین و مطلوب‌ترین عبارت‌پردازی در یک سند حقوق بین‌المللی درباره دستیابی به توسعه پایدار و ملاحظات رعایت زیست‌محیطی در فرایند توسعه انرژی در حقوق بین‌الملل موجود، توصیف شده است (همان: ۱۴۰). آژانس بین‌المللی انرژی‌های تجدیدپذیر نیز با هدف جایگزینی انرژی‌های تجدیدپذیر با انرژی‌های تجدیدناپذیر مانند انرژی‌های فسیلی، دغدغه محیط‌زیستی دارد؛ و ملاحظه می‌شود که اجتماع صدوشصت کشور هم با دغدغه مشترک محیط‌زیستی برای ایجاد امپراتوری بزرگی در قالب سازمانی بین‌المللی برای حل مشکلات امروز و فردای جهان است.

۲.۳. تغییرات آب‌وهوایی و گرمایش زمین؛ گرهی کور از بی‌سامانی انرژی‌های فسیلی

تغییرات آب‌وهوایی و گرمایش زمین مشکل اصلی محیط‌زیست است که بخش عمده آن به روند تولید و مصرف انرژی بازمی‌گردد و حل این مسئله را می‌توان در مدیریت الگوهای این روند یافت. در این میان، با توجه به این که هشتاد درصد میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای مربوط به دی‌اکسیدکربن ناشی از احتراق سوخت‌های فسیلی است، کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی می‌تواند در این راستا باشد (همان: ۱۲۶). از این روست که تنظیم سازوکار جهانی برای انرژی‌های فسیلی، اثر مستقیم بر معضل آب‌وهوایی خواهد داشت (https://unfccc.int/kyoto_protocol)؛ اما نقش کشورهای مصرف‌کننده انرژی‌های فسیلی نیز به‌عنوان تولیدکنندگان عمده گازهای گلخانه‌ای نباید مورد غفلت واقع شود.

با توجه به نبود قواعد روشن و مؤثر در این باره دولت‌ها به‌دنبال راهکارهایی بوده‌اند که یکی از آن‌ها مسئولیت اخلاقی است (Spence, 2010: 80). اگرچه دولت‌ها براساس مفاد کنوانسیون ساختاری، پروتکل کیوتو و توافق پاریس، متعهد به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای تا سطح خاصی هستند، اما برای تضمین رسیدن به اهداف مزبور، ضروری است دولت‌ها، به‌ویژه دولت‌های توسعه‌یافته، ورای منافع ملی

۱. این مثال‌ها نشان می‌دهد که جامعه جهانی در این سازمان نیز به‌دنبال راهکارهای حفظ محیط‌زیست هستند.

خود مطابق اصول اخلاقی نیز عمل کنند؛ بنابراین تلاش برای ایفای تعهدات، تنها بر مبنای منافع ملی نمی‌تواند راه‌حل مناسبی برای حل معضل تغییرات آب‌وهوایی باشد، بلکه نیاز به پذیرش مسئولیت اخلاقی نیز هست (Brown, 2009: 987). در این راستا باید به‌دنبال روندهایی بود که در وهله نخست، رهبری کشورهای توسعه‌یافته را به همراه داشته باشد؛ دیگر این که برای کشورهای درحال توسعه و آسیب‌پذیر منصفانه باشد و سرانجام، مطابق اهداف توسعه پایدار باشد. دو تا از این سه تعهد اخلاقی، یعنی تعهد رهبری دولت‌های توسعه‌یافته و تعهد رفتار منصفانه با دولت‌های آسیب‌پذیر، ناظر بر دولت‌های توسعه‌یافته است؛ اما تعهد اخلاقی سوم، یعنی تعهد به تلاش در رسیدن به توسعه پایدار، هم بر عهده دولت‌های توسعه‌یافته و هم دولت‌های درحال توسعه است.

کشورهای توسعه‌یافته مطابق با کنوانسیون ساختاری، دارای مسئولیت اخلاقی برای هدایت جریان تغییرات آب‌وهوایی هستند. براساس بند یک ماده ۳ کنوانسیون مزبور، کشورهای توسعه‌یافته باید روند پیکار با تغییرات آب‌وهوایی را هدایت و رهبری کنند. این رهبری، هم شامل کاهش در میزان سرانه انتشار گازهای گلخانه‌ای در تمامی کشورها با توسل به استفاده از منابع اقتصادی و فنی بوده و هم مشتمل بر طراحی نوعی از شیوه زندگی که وابسته به مصرف بالای انرژی نباشد و درعین حال قابلیت اجرایی توسط سایر دولت‌ها را داشته باشد (Brown, 2009: 991).

شرط دوم همانا رعایت شرط انصاف در نظام تغییرات آب‌وهوایی است. کشورهای درحال توسعه کمترین نقش را در ایجاد این معضل و کمترین توان ممکن را برای حل آن دارند. درحقیقت کشورهایی با کمترین میزان نقش و مسئولیت در به وجود آمدن این معضل، بیشترین تأثیرات منفی تغییرات آب‌وهوایی را تجربه می‌کنند. بنابراین ضروری است براساس انصاف با کشورهای درحال توسعه رفتار کرد (پورخاقان، ۱۳۹۶: ۱۰۸). اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت جلوه خارجی توجه به اصل انصاف در اسناد بین‌المللی تغییرات آب‌وهوایی است. از رهگذر شکل‌گیری مشارکت و همکاری منصفانه بین کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه است که این اصل شکل می‌گیرد (عبداللهی و معروفی، ۱۳۸۹: ۲۰۰).

اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت، مطابق با سند کنوانسیون ساختاری ملل متحد مطرح شده است؛ بدین معنا که با دسته‌بندی دولت‌ها به توسعه‌یافته و درحال توسعه، ضمن شناسایی مسئولیت مشترک برای همه دولت‌ها در حل مشکلات جهانی زیست‌محیطی، به نسبت میزان توسعه‌یافتگی آن‌ها مسئولیت متفاوتی برای هریک از این دو دسته بار می‌کند. بدیهی است که اعمال این اصل مستلزم شناسایی معیارهای متفاوت برای کشورهای درحال توسعه و پذیرش مسئولیت کشورهای توسعه‌یافته برای کمک به دستیابی به توسعه پایدار در کشورهای درحال توسعه است (عبداللهی و معروفی، ۱۳۸۹: ۲۰۵). ضمن توجه به این موضوع که اصل احتیاطی به‌عنوان یکی از اصول مسلم محیط‌زیست، می‌تواند تا حدی دشواری اثبات سببیت انتشار گازهای گلخانه‌ای توسط یک کشور را برطرف سازد؛ بدین معنا که عدم قطعیت علمی

درباره سببیت نباید دلیلی برای تداوم فعالیت‌های خسارت‌بار دولت‌ها نسبت به محیط‌زیست باشد؛ از این رو دولت‌ها بایستی براساس اصل احتیاط عمل کنند. در عین حال اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت نیز به دنبال اثبات سببیت بین یک دولت و تأثیرگذاری بر تغییرات آب‌وهوایی نیست.

اگر تاکنون جهان نتوانسته است گازهای گلخانه‌ای را کاهش دهد، به این دلیل است که تلاش‌های انجام‌یافته یا تا نتیجه مطلوب فاصله دارد و یا این تلاش‌ها کفایت حل مشکل را نخواهد کرد. در این میان، کنوانسیون تغییرات آب‌وهوایی و پروتکل کیوتو پاسخ‌های جهانی به مسئله تغییرات آب‌وهوایی قلمداد شده است^۱ (https://unfccc.int/kyoto_protocol) که به اعضای مقرر در ضمیمه یک آن که عمدتاً کشورهای اروپایی و صنعتی مانند روسیه و آمریکا هستند، به صورت عینی تکالیفی برای کاهش گازهای گلخانه‌ای بار می‌کند و برای کشورهای در حال توسعه این تکلیف جنبه توصیه‌ای یافته است. با این‌که اجرایی شدن پروتکل کیوتو موجب کاهش پانزده تا سی درصدی درآمد کشورهای تولیدکننده انرژی‌های فسیلی خواهد بود و کاهش قیمت نفت را در پی خواهد داشت (رحیمی و بختیار، ۱۳۸۵: ۸۳)، تاکنون ۱۹۲ کشور عضو این پروتکل شده‌اند (<https://unfccc.int/process/the-kyoto-protocol/status-of-> ratification) که کشورهای تولیدکننده عمده نفت نیز در میان آن‌ها هستند. روشن است که جامعه بین‌الملل از این پروتکل نیز مانند آژانس بین‌المللی انرژی‌های تجدیدپذیر استقبال خوبی کرده‌اند. سند بین‌المللی دیگری که تحت کنوانسیون تغییرات آب‌وهوایی امضا شد و در پی حل معضل تغییرات آب‌وهوایی بود و به دنبال پایان مدت پروتکل کیوتو مورد بحث قرار گرفت، موافقت‌نامه پاریس است که همه اعضای کنوانسیون تغییرات آب‌وهوایی، یعنی بیش از ۱۹۰ کشور، آن را امضا کردند (<https://unfccc.int/process-and-meetings/the-paris-agreement/the-paris-agreement>) و امید می‌رفت که وجود چنین سندی، گامی بلند و جهانی برای یکسره کردن مشکل تنظیمی انرژی‌های فسیلی باشد؛ اما خروج ایالات متحده به عنوان یکی از کشورهایی که بیشترین تولید گازهای گلخانه‌ای جهان را دارد، این تردید را ایجاد کرده است که آیا در نهایت تلاش‌های جامعه بین‌الملل به منظور تنظیم سازوکاری جهانی برای انرژی‌های فسیلی با حقوق نرمی که از این موافقت‌نامه حاصل می‌گردد، ممکن خواهد بود؟

1. KYOTO PROTOCOL REFERENCE MANUAL ON ACCOUNTING OF EMISSIONS AND ASSIGNED AMOUNT, 2008.

نتیجه

با مطالعه سازمان‌ها و سازوکارهای مختلف جهانی، دریافته‌ایم که کشورهای تولیدکننده در صف‌آرایی خود به دنبال حفظ منابع و تثبیت قیمت جهانی برای حفظ منافع خود بوده‌اند و اعضای سازمان‌های تأسیس‌یافته نمایانگر کل جامعه بین‌الملل نبوده است که مقبولیت جهانی نیز بیابد. در مقابل، صف کشورهای مصرف‌کننده نیز با همان ایراد ساختار سازمانی و اعضا به دنبال حفظ منافع خود و دست یافتن به انرژی ارزان قیمت طراحی شده است و بیشتر کشورهای اروپایی و صنعتی را در برمی‌گیرد که درهای بازی برای پذیرش کل جامعه بین‌المللی و مقبولیت در این جامعه را ندارند. بنابراین هیچ‌یک از سازوکارهای مدنظر این دو گروه نمی‌تواند پاسخی مقبول برای مسئله انرژی‌های فسیلی باشد.

در زمانی هم که کشورها به‌طور متحد به دنبال چاره بوده‌اند، باز نتوانسته‌اند راه‌حلی نهایی ارائه دهند. زمانی که تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در مجمع بین‌المللی انرژی کنار هم ایستادند، ساختار و هدف سازمانی با توجه به کارکرد آن که بیشتر به دنبال گفت‌وگو و مذاکره بود، نتیجه‌ای قابل پیش‌بینی نیز در پی نخواهد داشت. تمرکز تمامی سازمان‌ها نسبت به دغدغه‌ای واحد درباره مسئله محیط‌زیست را می‌توان مخرج مشترک تمامی فعالیت‌های این سازمان‌ها دانست. مشکلات زیست‌محیطی و تغییرات آب‌وهوایی و گرمایش زمین تقریباً کل جامعه بین‌الملل را در پروتکل کیوتو و موافقت‌نامه پاریس گرد هم آورده است که جهان اذعان دارد که راه‌حل این مشکل محیط‌زیستی در مدیریت انرژی‌های فسیلی و تجدیدنپذیر است که همین موضوع شاید بتواند به سازوکار قابل‌قبولی برای جامعه بین‌الملل در تنظیم انرژی‌های فسیلی بینجامد؛ اما خروج برخی کشورها مانند آمریکا از موافقت‌نامه پاریس و حقوق نرم و قوام‌نیافته‌ای که مانع تصمیم‌گیری قاطع برای کلیت جامعه بین‌الملل می‌شود و اختلاف سطح کشورها از نظر توسعه‌یافتگی که برخی مجرم تغییرات آب‌وهوایی و برخی قربانی آن هستند، می‌تواند مانعی جدی برای رسیدن به این منظور باشد؛ از این رو توجه به مسئولیت اخلاقی حول سه تعهد رهبری کشورهای توسعه‌یافته و همین‌طور نگاه منصفانه به کشورهای درحال توسعه و آسیب‌پذیر که درواقع بسیاری از کشورهای تولیدکننده انرژی‌های فسیلی را هم در برمی‌گیرد و درنهایت حرکت هم‌سو با توسعه پایدار، می‌تواند در راستای این اهداف باشد.

با توجه به این‌که کشورهای درحال توسعه کمترین نقش را در ایجاد این معضل و کمترین توان ممکن را برای حل آن دارند، از این رو ضروری است براساس انصاف با کشورهای درحال توسعه رفتار کرد. بنابراین توجه به اصل انصاف در این زمینه به صورت اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت متجلی می‌گردد؛ بدین معنا که با دسته‌بندی دولت‌ها به توسعه‌یافته و درحال توسعه، ضمن شناسایی مسئولیت مشترک برای همه دولت‌ها در حل مشکلات جهانی زیست‌محیطی، به نسبت میزان توسعه‌یافتگی آن‌ها مسئولیت متفاوتی برای هر یک از این دو دسته بار می‌کند. از سویی، کشورها بایستی طبق اصل احتیاطی عمل

کنند؛ زیرا اصل احتیاطی می‌تواند تا حدی رافع دشواری اثبات سببیت انتشار گازهای گلخانه‌ای توسط یک کشور باشد؛ بدین معنا که عدم قطعیت علمی درباره سببیت نباید دلیلی برای تداوم فعالیت‌های خسارت‌بار دولت‌ها نسبت به محیط‌زیست باشد. در عین حال، اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت نیز نمی‌تواند به دنبال اثبات سببیت بین یک دولت و تأثیرات آن بر تغییرات آب‌وهوایی باشد.

بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را شامل پرهیز از دزدی ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

منابع

الف) فارسی

۱. بیگزاده، ابراهیم (۱۳۹۷). *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*. تهران، انتشارات مجد.
۲. پورخاقان شاهرضایی، زینب (۱۳۹۶). «مسئولیت بین‌المللی خسارت ناشی از تغییرات آب‌وهوایی». *حقوق تطبیقی*، دوره پنجم، شماره ۱۰۷، ص ۹۴-۱۱۱. در: https://law.mofidu.ac.ir/?_action=article&au=202677&_au (۷ مرداد ۱۴۰۱).
۳. رحیمی، نسترن؛ محسن بختیار (۱۳۸۵). «پروتکل کیوتو: رهیافت‌ها و چالش‌ها». *علوم و تکنولوژی محیط‌زیست*، دوره هشتم، شماره ۲، ص ۹۴-۷۹. در: https://jest.srbiau.ac.ir/article_341.html (۳۰ شهریور ۱۳۹۸).
۴. سلیمی ترکمانی، حجت (۱۳۹۴). *حقوق بین‌الملل انرژی*. تهران، انتشارات شهر دانش.
۵. _____ (۱۳۹۷). «چالش کثرت سازمانی در حقوق بین‌الملل انرژی». *مطالعات حقوق انرژی*، شماره ۷، ص ۱۳۸-۱۱۹. DOI: 10.22059/jrels.2018.240681.139
۶. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۳). *حقوق نفت و گاز*. تهران، انتشارات میزان.
۷. عبداللهی، محسن؛ سعیده معروفی (۱۳۸۹). «اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست». *فصلنامه پژوهش حقوق*، سال ۱۲، شماره ۲۹، ص ۲۲۴-۱۹۹. در: https://journals.atu.ac.ir/article_2508_0461b8f58dfd7d790be369728f1ab6b9.pdf (۷ مرداد ۱۴۰۱).
۸. غیبی، اکرم (۱۳۸۵). «نفت و سازمان تجارت جهانی». *بررسی‌های مسائل اقتصاد انرژی*، شماره ۳، ص ۸۵-۵۸. در: <http://ensani.ir/fa/article/journal-number/13011> (۳۰ شهریور ۱۳۹۹).
۹. محمودی کردی، زهرا (۱۳۹۲). «جایگاه محیط‌زیست در سازمان تجارت جهانی». *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، شماره ۴۱، ص ۲۳۶-۲۰۷. در:

۳۰) https://qjpl.atu.ac.ir/article_162_f2b4e7fe75633a90764e9ef1b083382b.pdf

شهریور ۱۳۹۸

۱۰. نوح هراری، یووال (۱۳۹۷). *انسان خردمند: تاریخ مختصر بشر*. ترجمه نیک گرگین، تهران، نشر نو.

ب) خارجی

11. Brown, Donald A. and John D. Dernbach (2009). "the Ethical Responsibility to Reduce Energy Consumption". *Hofstra Law Review*, vol. 37, 985-1006.
12. Herdeger, M (2016). *Principles of International Economic Law*, 2nd Ed, UK: Oxford University Press.
13. Pominova, I (2014). "Risks and Benefits for the Russian Federation from Participating in the Energy Charter: Comprehensive Analysis". *Energy Charter Secretariat Knowledge Centre*.
14. Selivanova, Y (2007). *The WTO and Energy- WTO Rules and Agreements of Relevance to the Energy Sector*, International Centre for Trade and Sustainable Development (ICTSD).
15. Scott, R (1994). *THE HISTORY OF THE INTERNATIONAL ENERGY AGENCY*, Vol2, MAJOR POLICIES AND ACTIONS OF THE IEA, France: Head of Publications Service, OECD.
16. Wälde, T (1996). *The Energy Charter Treaty: An East-West Gateway for Investment and Trade*, London-The Hague-Boston: Kluwer Law.
17. Wilson, A (2016). "International Energy Agency". *European Parliamentary Research Service*.
18. <https://enb.iisd.org/vol30/enb3001e.html> (Accessed 3 September 2019).
https://energycharter.org/fileadmin/DocumentsMedia/Occasional/Russia_and_the_ECT_en.pdf (Accessed 2 November 2019).
19. <https://energycharter.org/process/european-energy-charter-1991/> (Accessed 3 September 2019).
20. <https://energycharter.org/process/energy-charter-treaty-1994/trade-amendment/> (Accessed 3 September 2019).
21. <https://energycharter.org/what-we-do/dispute-settlement/overview/> (Accessed 3 September 2019).
22. <https://energycharter.org/who-we-are/institutions/> (Accessed 2 November 2019).
23. <http://energydiplomacy.com/?p=1115> (Accessed 3 September 2019).
24. [http://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/IDAN/2016/582015/EPRS_IDA\(2016\)582015_EN.pdf](http://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/IDAN/2016/582015/EPRS_IDA(2016)582015_EN.pdf) (Accessed 2 November 2019).
25. <https://www.ictsd.org/sites/default/files/research/2012/03/the-wto-and-energy.pdf>. (Accessed 1 October 2019).
26. <https://www.ictsd.org/sites/default/files/research/2012/03/the-wto-and-energy.pdf> (Accessed 1 September 2019).

27. <https://www.iea.org/countries/members/> (Accessed 2 October 2019).
28. <https://www.iea.org/countries/members/> (Accessed 2 September 2019).
29. <https://www.iea.org//topics/> (Accessed 1 September 2019).
30. <https://www.iea.org//topics/> (Accessed 1 September 2019).
31. <https://www.iea.org/topics/climatechange/> (Accessed 2 September 2019).
32. <https://www.ief.org/about-ief/ief-overview.aspx> (Accessed 2 September 2019).
33. <https://www.irena.org/history/firstpreparatoryconference> (Accessed 3 September 2019).
34. <https://www.irena.org/history/foundingconference> (Accessed 3 November 2019).
35. <https://www.irena.org/irenamembership> (Accessed 3 September 2019).
36. https://www.opec.org/opec_web/en/about_us/24.htm (Accessed 1 September 2019).
37. https://www.opec.org/opec_web/en/press_room/315.htm (Accessed 4 October 2019).
38. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/97764> (Accessed 4 September 2019).
39. <https://treaties.un.org/doc/Publication/UNTS/Volume%20443/volume-443-I-6363-English.pdf> (Accessed 1 September 2019).
40. https://unfccc.int/kyoto_protocol (Accessed 4 September 2019).
41. <https://unfccc.int/process-and-meetings/the-paris-agreement/the-paris-agreement> (Accessed 4 March 2019).
42. <https://unfccc.int/process/the-kyoto-protocol/status-of-ratification> (Accessed 4 September 2019).
43. https://unfccc.int/resource/docs/publications/08_unfccc_kp_ref_manual.pdf (Accessed 4 September 2019).